

جرایم اخاذی موظفین خدمات عامه در قوانین افغانستان

پوهندوی دکتور غلام حضرت برهانی^۱

سلطان رضا نظری^۲

چکیده

اخاذی از جمله جرایم تهدیدی علیه امنیت اجتماعی است و از زمره جرایم علیه اموال به حساب می‌رود و در قوانین جزایی قبلی افغانستان جرم‌انگاری نشده بود. برای اولین بار در کود جزا طی یک ماده قانون‌گذاری شده و از جمله جرایم رویه سوء موظفین خدمات عامه پنداشته شده است. اخاذی دریافت پول، مال یا منفعتی است که به صورت غیرقانونی و ناحق از توسط مرتکب در صورتی که منسوب نیروهای نظامی یا از جمله موظفین خدمات عامه باشد، با استفاده از موقف و صلاحیت، در راه‌های عمومی، شاه‌راه‌ها و سایر محلات و در صورتی که مرتکب افراد عادی باشند در سایر محلات شهری و یا قریه‌جات از متضرر اخذ می‌گردد. مطابق قوانین سایر کشورها، مرتکب علاوه بر تعرض به مال متضرر، متوسل به تهدید وضعیت روانی وی نیز می‌گردد و از این طریق مال یا پول یا منفعتی را به دست می‌آورد و مقابله با این جرم امری ضروری پنداشته شده است. در تحقیق حاضر سعی شده است عناصر این جرم بررسی و راهکارهایی برای مقابله با آن به مراجع مربوطه پیشنهاد گردد.

واژگان کلیدی: جرم، اخاذی، موظفین خدمات عامه، کود جزا، تهدید، قانون، افغانستان.

۱. استاد حقوق و علوم سیاسی اکادمی علوم و پوهنتون کابل.

۲. دانش‌پژوه جامعه المصطفی (ص) العالمیه - واحد افغانستان.

مقدمه

جرم اخاذی همواره از سوی دانشمندان حقوق از جمله جرایم تهدیدی علیه امنیت اجتماعی یاد شده است و از زمره جرایم علیه اموال به حساب می‌رود، زیرا مرتکب جرم، پول، مال یا منفعتی را از مردم برخلاف قانون اخذ می‌نماید؛ یعنی مرتکب خواه موظف عامه باشد یا فرد عادی اگر چیزی را از مجنی علیه خلاف قانون درخواست و یا بگیرد، مرتکب جرم اخاذی شناخته می‌شود و براساس قانون قابل تعقیب عدلی پنداشته می‌شود. اخاذی در قوانین جزایی قبلی افغانستان جرم‌انگاری نشده بود و برای اولین بار در کود جزا طی یک ماده قانون‌گذاری شده و از جمله جرایم رویه سوء موظفین خدمات عامه پنداشته شده است.

جرم اخاذی در کود جزا از جمله مصداق رویه سوء موظفین خدمات عامه محسوب می‌گردد که در این جرم آنچه مورد تعرض قرار می‌گیرد، مال متضرر است که به صورت غیرقانونی و به ناحق از طرف مرتکب در صورتی که منسوب نیروهای نظامی یا از جمله موظفین خدمات عامه باشد، با استفاده از موقف و صلاحیت، در راه‌های عمومی، شاهراه‌ها و سایر محلات و در صورتی که مرتکب افراد عادی باشند، در محلات همچون سرای‌ها، مارکیت‌ها، مندوی‌ها و سایر محلات شهری و یا قریه‌جات از متضرر اخذ می‌گردد.

با در نظر داشت کود جزا افغانستان در جرم اخاذی تعرض به مال متضرر است در حالی که مطابق قوانین سایر کشورها، مرتکب علاوه بر تعرض به مال متضرر، مرتکب متوسل به تهدید وضعیت روانی متضرر می‌گردد؛ مانند اینکه مرتکب با تهدید به افشای اسرار یا تهدید به ایراد ضررهای شرفی یا نفسی یا ناموسی متضرر متوسل شده و از این طریق مال یا پول یا منفعتی را به دست می‌آورد.

جرم تهدید صرف، هنگامی که با مطرح کردن تقاضایی توأم می‌شود، زیر عنوان اخاذی قابل بررسی است. در جرم اخاذی، به رغم اینکه رسیدن به خواسته از سوی مرتکب، شرط تحقق جرم نیست، اما تقارن تهدید و تقاضای مطرح شده، وضعیت روانی بزه‌دیده را به شدت مشوش ساخته و باعث پریشانی خاطر و هراس او می‌گردد. براین اساس مقابله سنجیده با این جرم امری ضروری است.

۱. مفهوم اخاذی

واژه اخاذی در لغت به معنای بسیارگیرنده، سخت گیرنده، به زور و ستم از مردم چیز گرفتن آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۳۸) این واژه در ترمینولوژی حقوق به معنای گرفتن وجه یا چیزی از دیگری به زور و تهدید آمده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۸)

در تعریف اصطلاحی اخاذی گفته شده است: «تقاضای تهدیدآمیز که بدون داشتن دلیل موجه مطرح شود». جرم اخاذی گرفتن پول، مال، سند و غیره از مردم با جبر و تهدید چنین تعریف می گردد. همچنین از جرم اخاذی در معنای گرفتن غیرقانونی چیز ارزشمندی از دیگری با تهدید به خشونت یا سایر اعمال قهرآمیز یاد شده است.

با توجه به معانی اشاره شده، روشن است که در جرم اخاذی، مرتکب به طریق غیرقانونی و با استفاده از تهدید تلاش می کند چیزی را تحصیل کند. با این حال، ناگفته نماند که مفاهیم مذکور صرفاً جهت تبیین اولیه واژه اخاذی می توانند مدنظر قرار گیرند. به دیگر سخن، تعریف هر جرمی وابسته به عنصر قانونی آن است و در هر نظام حقوقی، تعریف خاص خود را دارا است، به نحوی که ممکن است با تعاریف ذکر شده متفاوت باشد. (حاجی ده آبادی، اعتمادی، امیر، ۱۳۹۴: ۳۳).

جرم اخاذی در کود جزا تعریف نگردیده ولی از فحوای ماده ۴۴۵ این قانون استنباط می گردد این جرم عبارت است از تقاضا یا اخذ مال، پول یا منفعت برخلاف قانون و ناحق از اشخاص توسط منسوبین نظامی یا موظفین خدمات عامه یا سایر اشخاص با استفاده از موقف و صلاحیت وظیفه وی در مکان های مشخص.

۲. پیشینه جرایم اخاذی

در دو دهه اخیر افغانستان شاهد تغییرات در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره بوده است که بالأخص در عرصه اقتصادی و تجارتي روابط افغانستان با کشورهای جهان و منطقه سبب صادرات و واردات اموال و اجناس تجارتي گردیده است. متأسفانه در مسیر راه منسوبین نیروهای نظامی و موظفین خدمات عامه به اخاذی های غیرقانونی دست زده و سبب مختل ساختن امنیت و نظم راه ها گردیده بودند و قانون گذار افغانستان با درک موضوع در کود

جزا به جرم‌انگاری این عمل غیرقانونی پرداخت تا از یک طرف سبب جلوگیری از اخاذی غیرقانونی گردد و از طرف دیگر خلأ قانونی را پور نماید؛ چراکه جرم‌انگاری این عمل در قوانین جزایی قبلی سابقه نداشته است.

این عمل غیرقانونی در باب چهارم جرایم فساد اداری و مالی در فصل هشتم تحت عنوان اخاذی موظف خدمات عامه در ماده ۴۴۵ جرم‌انگاری گردیده است و ارتکاب آن توسط دو طبقه از اشخاص متصور است که می‌تواند مرتکب آن منسوب نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه باشد و یا این که مرتکب آن سایر اشخاص غیر از منسوب نیروهای نظامی و موظفین خدمات عامه باشد.

۳. مبانی جرایم اخاذی

در این مبحث اولاً مستندات و مبانی جرم اخاذی در نظام حقوقی اسلام، سپس در اسناد بین‌المللی و در نهایت در نظام حقوقی افغانستان به بحث گرفته می‌شود.

الف) در نظام حقوقی اسلام

از نظر اسلام مانعی نیست که مسلمانان هر قدر که می‌خواهد مال جمع کند و برای به دست آوردن آن تلاش نماید، مادام که این جمع‌آوری و این تلاش از طریق مشروع باشد. اگر در بعضی ادیان گفته می‌شود: «ثروتمند داخل بهشت نمی‌شود تا زمانی که شتر از سوراخ سوزن رد نشود.» در اسلام در مورد افراد ثروتمند چنین ارشاد دارد: «چقدر خوب است مال حلال برای انسان صالح.» وقتی اسلام به مالکیت مشروع افراد اقرار می‌نماید، مسلماً با قانون و توصیه‌های اخلاقی آن را از غصب، سرقت، غارت، اخاذی، زورگیری و... محفوظ می‌دارد و اجازه نمی‌دهد که کسی بدون حق به مال کسی به وسیله تهدید یا زور تجاوز نماید. (قرضاوی، ۱۳۸۵: ۳۹۹)

شریعت اسلام شدیداً مال هر مسلمانی را بر مسلمان دیگری حرام نموده است؛ و در این مورد قرآن کریم چنین صراحت دارد: «ای مؤمنان مال همدیگر را به ناحق نخورید، مگر به وسیله تجارتی باشد که با رضایت خاطر انجام می‌گیرد.» (بقره: ۸۸) همچنان در حدیثی از پیامبر بزرگ اسلام روایت شده که می‌فرماید: «هر آینه تجاوز بر جان‌های شما، مال‌های شما و آبرو و

حیثیت شما حرام است.» مثل که امروز (روزهای منی در حج) همه چیز بر شما حرام است. همین قسم حرمت به طور دائمی در شهرها، ماه‌ها و روزهای شما پس از حج نیز حرام است. (محمد، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

به طور خلاصه از آیه کریمه و حدیث نبوی نتیجه گرفته می شود که تجاوز بر اموال و مالکیت دیگران بدون موجب شرعی حرام است؛ و کسانی که مرتکب این عمل می شوند به سبب تجاوزشان بر اموال دیگران باید مورد تعزیر و تأدیب قرار گیرند، شلاق زده شوند یا زندانی گردند تا اینکه سبب اصلاح حالشان گردد؛ و از فساد و دست اندازی بر اموال دیگران احتراز نمایند. بنابراین، به دست آوردن مال دیگران از طریق اخاذی در شریعت اسلام حرام بوده و برای مرتکب آن مجازات دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است.

ب) در اسناد بین المللی

اسناد بین المللی اموال افراد و اشخاص را از هر نوع تعرض مصون دانسته است و داشتن مالکیت را حق هر فرد دانسته است. ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد داشتن حق مالکیت بیان داشته که هر شخص، منفرداً یا به طور جمعی حق مالکیت دارد و احدی را نمی توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود. مصونیت اموال افراد جامعه همچنان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره در ماده ۱۸ نیز تصریح گردیده که هر انسان حق دارد که نسبت به جان، مال، دین، خانواده و ناموس خویش در آسودگی زندگی کند و هر انسان حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (مسکن، خانواده، مال و ارتباطات) استقلال داشته و جاسوسی یا نظارت بر آبرو یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست، باید از او در مقابل هرگونه دخالت زور گویا نه در این شئون حمایت شود.

این حق در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد حمایت قرار گرفته است که خلاف قانون کسی به مال، خانواده و اقامتگاه شخص مداخله نماید. در اعلامیه های بین المللی فوق الذکر به صراحت دیده می شود که مالکیت افراد از تعرض مصون است؛ خواه این تجاوز به شکل قطاع الطریقی، سرقت، اخاذی باشد یا از طرق دیگر. (اریب، ۱۳۹۶: ۸۶). این اسناد کشورها را ملزم نموده که در اسناد داخلی خود این اعمال را جرم انگاری نموده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر بگیرند.

ج) در قوانین داخلی

مستندات جرم اخاذی را در قوانین داخلی نخست در قانون اساسی افغانستان و سپس مستندات آن در سایر قوانین داخلی به بررسی گرفته می‌شود.

در قانون اساسی: قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۰ تعرض به ملکیت را مصون دانسته و تصرف در ملکیت غیر بدون حکم محکمه باصلاحیت جواز ندارد بنابراین، قانون اساسی با در نظر داشت احکام شریعت اسلام و با تبعیت از اسناد بین‌المللی از حق مالکیت حمایت نموده و به هر نوع تجاوز به ملکیت شخص را منع کرده است. همین ماده قانون اساسی در مورد چنین صراحت دارد: «ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تعرض در آن منع نمی‌شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت مصادره نمی‌گردد. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب قانون مجاز می‌باشد...» (قانون اساسی، ماده ۴۰).

با توجه به ماده فوق قانون اساسی، چنین نتیجه گرفته می‌شود که قانون اساسی کشور هرگونه تعرض بر اموال و ملکیت را ممنوع می‌داند و به هیچ شخص به شمول دولت اجازه تعرض و تجاوز را به صورت اخاذی و یا هر صورتی که باشد منع نموده است و ملکیت افراد و اشخاص را مورد حمایت قرار داده است.

در قوانین عادی افغانستان: مستند جرم اخاذی در قوانین جزایی افغانستان، ماده ۴۴۵ کود جزا می‌باشد که این عمل برای اولین بار در این کود جزا جرم‌انگاری گردیده است و ارتکاب آن هم از طرف موظف خدمات عامه و هم از طرف اشخاص عادی متصور است.

مطابق صراحت ماده ۴۴۵ کود جزا در صورتی که این عمل توسط منسوب نیروهای نظامی و یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده سوء از موقف و صلاحیت خود و یا سایر افراد عادی با استفاده از قدرت، نفوذ یا صلاحیت ساختگی خود در محلات چون راه عام، شاه‌راه‌ها، مندوی‌ها، مارکیت‌ها و غیره به منظور تقاضا یا اخذ پول، مال یا منفعت از مردم به ناحق و برخلاف قانون ارتکاب یابد، مرتکب جرم اخاذی گردیده و قابل تعقیب عدلی پنداشته می‌شود.

۴. عناصر جرایم اخاذی

هر جرم دارای عناصر تشکیل دهنده‌ای است که آن را از دیگر جرایم متمایز و جدا می‌سازد که به این عناصر، عناصر اختصاصی گفته می‌شود. در مقابل، جرایم به‌طور کلی دارای عناصر تشکیل دهنده و مشترکی هستند که از این دسته به‌عنوان عناصر عمومی جرم یاد می‌شود. درواقع، به لحاظ حقوقی، برای آنکه فعل انسانی جرم به‌شمار آید باید نخست قانون‌گذار این فعل را جرم شناخته و برای آن جزا مقرر کرده باشد که عنصر قانونی جرم را تشکیل می‌دهد، دوم فعل یا ترک فعل مشخصی به منصفه ظهور رسیده باشد که از آن را عنصر مادی جرم گویند و هرگاه این فعل مادی و خارجی با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد، عنصر معنوی جرم را تشکیل می‌دهد. (نبوی، ۱۳۹۵: ۸۷).

جرم اخاذی که از جمله جرایم رویه سوء موظفین خدمات عامه پنداشته می‌شود نیز دارای عناصر اختصاصی و کلی می‌باشد که در این گفتار به توضیح عناصر متشکله این جرم پرداخته می‌شود.

الف) عنصر قانونی

نظر به اینکه عنصر قانونی جرم درواقع ترجمانی است از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات و بحث از دیگر عناصر جرم، به این عنصر وابسته است. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۶) یعنی منظور از عنصر قانونی جرم آن است که هیچ‌کس را نمی‌توان به جهت انجام رفتاری مورد مواخذه و مجازات قرارداد مگر آن‌که قانون‌گذار از قبل برای آن مجازات تعیین و ابلاغ کرده باشد که این اصل در قانون اساسی، کود جزا به رسمیت شناخته شده است. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۴: ۵۷)

لذا پیش‌بینی یک ماده قانونی در این زمینه شرط اساسی تحقیق جرم اخاذی می‌باشد. در حال حاضر عنصر قانونی این جرم را ماده ۴۴۵ کود جزا تشکیل می‌دهد که در مورد چنین صراحت دارد: «(۱) هرگاه منسوب نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت و وظیفه وی در راه عام، شاهراه‌ها و سایر محلات از مردم پول، مال یا منفعتی را خلاف قانون تقاضا، یا اخذ نمایند، به حبس قصیر محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه جرم مندرج فقره ۱ این ماده توسط سایر اشخاص در سرای‌ها، مارکیت‌ها، مندوی‌ها یا سایر محلات شهری ارتکاب یابد، مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود

جزا، ماده (۴۴۵)

در رابطه به این ماده قانونی، ذکر مطالبی ضروری است: اولاً اینکه این ماده زمانی جرم اخاذی را تحت پوشش قرار می‌دهد که مرتکب، علاوه بر سوءاستفاده از صلاحیت وظیفه وی خود که همانا تهدید است، تقاضایی پول، مال یا منفعتی را هم مطرح کند، ثانیاً این که یا از کسی پول، مال یا منفعتی را اخذ نماید. در حال حاضر عنصر قانونی این جرم را همین ماده ۴۴۵ کود جزا تشکیل می‌دهد.

ب) عنصر مادی

اجزاء تشکیل دهنده عنصر مادی جرم عبارت‌اند از رفتار جرمی، شرایط لازم برای تحقق جرم، نتیجه و رابطه سببیت که لازم است میان جزء اول و جزء سوم برقرار باشد. در پاره‌ای از جرایم، جزء نتیجه ضروری نبوده و صرف ارتکاب عامدانه رفتار جرمی، باوجود سایر شرایط موجب تحقق جرم خواهد بود؛ این دسته از جرایم، جرایم مطلق نامیده می‌شوند. در مقابل می‌توان از جرایم مقید یادکرد که کامل شدن جرم منوط به تحقق نتیجه مجرمانه است. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۶)

با توجه به توضیحات، در ادامه به بررسی عنصر مادی جرم اخاذی پرداخته می‌شود. اجزایی تشکیل دهنده رفتار مجرمانه جرم اخاذی مطابق به نص ماده ۴۴۵ کود جزا تقاضا و اخذ می‌باشد که این رفتارهای مجرمانه می‌تواند توأم با تهدید مجنی علیه باشد و یا از طریق ایجاد موانع عبور و مرور وسایط، اسناد و غیره که در زیر رفتارهای مجرمانه این جرم به بررسی گرفته می‌شود.

اولین جزء رفتار مجرمانه جرم اخاذی آن است که متهم باید تقاضایی را مطرح کرده باشد. این تقاضا ممکن است به صورت صریح یا ضمنی صورت گیرد؛ در صورت اخیر از اوضاع و احوالی نظیر لحن صدای مرتکب یا اشارات فیزیکی وی، می‌توان تقاضا بودن را برداشت کرد. البته باید میان پیشنهاد و تقاضا تفکیک قائل شد؛ زیرا پیشنهاد نمی‌تواند مبنای جرم اخاذی را تشکیل دهد، درحالی که تقاضا جزئی از این جرم محسوب می‌شود. (همان: ۴۰) به‌طور مثال، جمله «۱۰۰۰ افغانی به من بده تا زندگی خوبی را برای تو فراهم کنم.» ممکن است به‌عنوان یک پیشنهاد تلقی شود، اما در شرایطی می‌تواند تهدید به‌شمار آید، بدین نحو که تهدید

ضمنی ای را در برداشته باشد که اگر وجه مربوطه به شخص داده نشود، پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال خواهد داشت.

جزء دوم رفتار مجرمانه اخذ است که مرتکب از افراد و اشخاص پول، مال یا منفعتی را اخذ نماید که با اخذ، رفتار مجرمانه تکمیل گردیده است و جزء سوم تهدید کردن است که این عمل که لازم است توأم با اجزاء پیشین تقاضا و اخذ انجام گیرد. (همان: ۴۱) موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که عمل تهدید کردن، صرفاً ارباب به اعمال خشونت آمیز را در برنمی گیرد، بلکه ترساندن از هر عمل زیان آور یا ناخوشایندی را نسبت به شخص مخاطب شامل می شود. نظر به اجزای رفتار مجرمانه، جرم اخاذی از جمله جرایم مطلق محسوب می گردد که با مجرد تقاضا و اخذ، جرم تکمیل شده پنداشته می شود و ضرورت به نتیجه جرمی ندارد. موضوع این جرم را مال، پول و یا منفعت تشکیل می دهد که مرتکب با استفاده از صلاحیت وظیفه وی یا قدرت و نفوذ خود، از مجنی علیه بدون حق و برخلاف احکام قانون اخذ یا تقاضا نماید و مکان ها یا محلات وقوع این جرم با در نظر داشت ماده ۴۴۵ کود جزا می تواند، راه عام، شاهراه ها، مندوی ها، مارکیت ها و سایر محلات باشد که از کلمه سایر محلات استنباط می شود که ذکر محلات یادشده از باب مثال بوده و منحصر به این محلات نمی گردد و در هر مکان و محلی که مرتکب با استفاده از صلاحیت، قدرت خود برخلاف قانون دست به اخاذی بزند، جرم تحقق پیدا می کند.

مرتکبین این جرم را دودسته از افراد تشکیل می دهد. دسته اول از مرتکبین جرم اخاذی از مردم را مطابق به فقره ۱ ماده ۴۴۵ کود جزا نظامیان مانند پولیس، عضو امنیت ملی، منسوب اردوی ملی و سایر موظفین خدمات عامه تشکیل می دهد که مرتکب هرگاه با سوءاستفاده از صلاحیت وظیفه وی از مردم پول، مال و منفعتی را برخلاف قانون تقاضا یا اخذ نماید مرتکب این جرم محسوب می گردد؛ و دسته دوم مرتکبین این جرم را مطابق به فقره ۲ همین ماده اشخاص عادی تشکیل می دهد که در مکان های ذکرشده این فقره با استفاده از صلاحیت ساختگی و غیرقانونی، به اخاذی از مردم پردازند؛ مثلاً شخصی با عنوان این که من «باشی» یا «کلانتر» محل هستم، از مردم پول اخذ یا تقاضا نماید و مرتکب این جرم شود. (شرح کود جزا، ج ۲، ۱۳۹۸: ۶۵۸).

قسمی که در بالا عنصر قانونی و مادی جرم اخاذی به بررسی گرفته شد حالا به توضیح عنصر معنوی این جرم در زیر پرداخته می‌شود.

ج) عنصر روانی

برای محکومیت فردی به جرم اخاذی، افزون بر عنصر مادی و قانونی جرم، لازم است عنصر روانی آن نیز احراز گردد. عنصر روانی که باید هم‌زمان با عنصر مادی محقق شود، غالباً از دو جزء سوءنیت عام و سوءنیت خاص تشکیل می‌شود. جزء اول به معنای عمد در ارتکاب رفتار جرمی، جرم است که لازمه آن علم و آگاهی مرتکب نسبت به ماهیت رفتار است و جزء دوم به معنای قصد نتیجه است. براین اساس در رابطه به جرایم مطلق که تحقق آن‌ها منوط به نتیجه مجرمانه نیست، سوءنیت خاص ضروری قلمداد نمی‌شود. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ۴۵)

با توجه به توضیحات یادشده، باید گفت که در نظام حقوقی افغانستان، برای این که عمل اخاذی ارتکاب یافته تلقی گردد به سوءنیت عام ضرورت است که رفتار مجرمانه یعنی تقاضا و اخذ عامدانه توسط مرتکب انجام گیرد و به وصف عمل خودآگاه باشد تا عمل مرتکب، اخاذی تلقی گردد و عنصر معنوی تکمیل شود.

۵. ارکان جرایم اخاذی

ارکان جرم اخاذی دو رکن اساسی هستند که عبارت‌اند از:

الف) تهدید

ترساندن فرد مقابل با هر چیزی که برای وی ناخوشایند و مضر است، تهدید نام دارد. جهت تحقق جرم اخاذی، تهدید به تنهایی کافی نیست، بلکه تهدید باید در یکی از موارد ذیل باشد: تهدید به قتل: اگر فردی، دیگری را به قتل تهدید نماید این تهدید، از جمله مواردی است در رده‌ی رکن تهدید اخاذی قرار می‌گیرد.

تهدید به ضرر نفسی، شرافتی یا مالی و ضرر نفسی این نوع تهدید شامل هر نوع ضرری است که به بدن وارد می‌گردد و کمتر از قتل است مانند بریدن اعضا.

ضرر شرافتی: در این نوع ضرر، زیان متوجه آبروی شخص خواهد بود، مانند شایع پراکنی در مورد ناپسامان بودن وضعیت مالی شخص.

ضرر مالی: در این نوع ضرر، زیان متوجه حقوق مالی فرد خواهد شد، مانند تهدید به آتش کشیدن منزل شخص.

تهدید به افشای سر: در این نوع تهدید، سر دارای ماهیتی است که فرد حاضر است در عوض پرداخت حق السکوت، سر پنهان بماند، در واقع کیفیت سر از جهت مادی و معنوی به گونه ای است که فرد مایل فاش شدن آن نیست.

ب) تقاضای وجه و یا انجام امر یا ترک فعل

چنانچه تقاضای وجه و یا انجام امر یا ترک فعلی با امر تهدید همراه گردد، جرم اخاذی محقق می گردد، در غیر این صورت، تقاضای تهدید به تنهایی است که دیگر نمی توان بر آن، نام اخاذی نهاد. اگر فردی طلبی از شخص دیگری داشته باشد و نتواند طلب خود را از راهی جز اخاذی به دست آورد، مشمول جرم اخاذی خواهد بود.

جرم اخاذی زمانی صورت می گیرد که تهدید شخص برای انجام کار و یا عدم انجام کار باشد و این تهدید حتماً با تقاضای مبلغی همراه باشد. اگر که تهدید بدون گرفتن مبلغ باشد، اخاذی محسوب نمی شود. همچنین برای صورت گرفتن جرم اخاذی باید یک عنصر روانی در میان باشد و مهم نیست که این انگیزه واقعی است یا خیر. مثلاً اگر فردی به قصد اخذی کسی را تهدید کند و بترساند و اگر انگیزه وی واقعی نباشد، باز هم مجرم محسوب می شود؛ زیرا قصد اخاذی داشته است.

نتیجه گیری

جرم اخاذی از جمله اعمالی است که سبب خدشه دار شدن امنیت اجتماعی در جامعه می گردد و از جمله جرایمی تعرض به مال مردم به حساب می آید. این عمل برای اولین بار در کود جزا که در اخیر سال ۱۳۹۶ نافذ گردید، قانون گذاری شده است و در قوانین جزایی قبلی تحت این عنوان جرمی پیش بینی نگردیده بود و پیشینه نداشت. مرتکب این جرم با استفاده از صلاحیت و قدرت وظیفه وی خود از مردم در راه های عام، شاهراه ها، مندوی ها، مارکیت ها و سایر محلات به ناحق و غیر قانونی پول یا مال و یا منفعت را درخواست یا به دست می آورد.

از جمله مقاصد پنج گانه شریعت اسلام یکی آن حفظ مال مردم است که به ناحق و برخلاف

قانون مورد تعرض و تعدی قرار نگیرد. بنابراین، گرفتن مال مردم به صورت اخاذی یا به هر نوع دیگری که باشد در شریعت اسلام منع قرار داده شده است و همچنان مصونیت مالکیت را اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی تأیید نموده و مورد حمایت قرار داده است.

با الهام از نظام حقوقی اسلام و اسناد بین‌المللی، قانون اساسی و قوانین داخلی افغانستان ملکیت را از تعرض مصون دانسته و متجاوز به مال دیگری را به هر نوع که باشد منع قرار داده و در قوانین جزایی برای مرتکب آن جزا و مواخذه پیش‌بینی گردیده است. بنابراین، گرفتن مال، پول یا منفعت به ناحق و غیرقانونی از مردم به طور اخاذی در ماده ۴۴۵ کود جزا جرم‌انگاری شده و مرتکب را مستوجب مجازات دانسته است.

جرم اخاذی نیز مانند سایر جرایم دارای عناصر اختصاصی و کلی می‌باشد. عنصر قانونی این جرم ماده ۴۴۵ کود جزا می‌باشد و رفتار مجرمانه آن را تقاضا و اخذ تشکیل می‌دهد. مرتکب اعم از اینکه موظف خدمات عامه باشد یا فرد عادی با علم بر اینکه عمل وی غیرقانونی است، عامدانه از مردم پول، مال یا منفعتی را به ناحق درخواست یا دریافت کند، جرم تحقق یافته پنداشته می‌شود و این جرم نیاز به نتیجه ندارد و از جمله جرایم مطلق محسوب می‌شود.

از اینکه ارتکاب این جرم از طرف موظف خدمات عامه و فرد عادی متصور است، بنابراین، قانون‌گذار برای مرتکبی که موظف خدمات عامه باشد جزای شدیدتر نسبت به افراد عادی پیش‌بینی کرده است؛ یعنی برای مرتکب که موظف خدمات عامه باشد جزای حبس قصیر را در نظر گرفته است در حالی که اگر مرتکب فردی عادی باشد، جزای آن پنج هزار تا ده هزار افغانی پیش‌بینی شده است و از نگاه روش قانون‌گذاری جزای شدیدتر به موظف خدمات عامه معقول‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

منابع

قرآن کریم.

۱. اریب، ضیا الرحمن، (۱۳۹۶)، سوء رویه موظفین خدمات عامه در حقوق جزای افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد با رهنمایی دکتر علام حیدر علامه، جامعه المصطفی (ص) العالمیه- واحد کابل.
۲. حاجی ده آبادی، احمد و امیر اعتمادی، (۱۳۹۴)، «اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره چهارم.
۳. قرضاوی، یوسف، (۱۳۸۵)، حلال و حرام در اسلام، ترجمه: ابوبکر حسن زاده، کابل: انتشارات احسان، چاپ نهم.
۴. نبوی، نعمت الله، (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: موسسه نشر واژه، چاپ اول.
۵. شرح کود جزا، جلد دوم (کتاب دوم احکام اختصاصی) (۱۳۹۸)، کابل: انتشارات بنیاد آسیا.
۶. معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم از دوره جدید.
۷. وزارت عدلیه، قانون اساسی، (۱۳۸۲)، جریده رسمی، شماره ۳۱۳، کابل.
۸. وزارت عدلیه، (۱۳۹۶)، کود جزا، جریده رسمی، شماره ۱۲۶۰، کابل.